

دیالکتیک و واسازی

در اقتصاد سیاسی

رابرت آلبریتون

برگردان: فروغ اسدپور



نشر پژوهاک

|                     |                                                                             |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : آلبریتون، رابرت، ۱۹۴۱ - م. Albritton, Robert                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : دیالکتیک و واسازی در اقتصاد سیاسی / رابرت آلبریتون؛ برگردان فروغ اسدیپور. |
| مشخصات نشر          | : تهران: پژواک، ۱۳۹۴                                                        |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۳۴ ص.                                                                    |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۳۳-۴                                                         |
| یادداشت             | : عنوان اصلی: <i>Dialectic and deconstruction in political economy</i> 1999 |
| یادداشت             | : کتابنامه. [۳۲۵] ۳۳۰                                                       |
| موضوع               | : اقتصاد مارکسیستی                                                          |
| شناسه افزوده        | : اسدیپور، فروغ، ۱۳۴۰ - مترجم                                               |
| رده‌بندی کنگره      | : HB ۵/۹۷/۹۵۷۱ ۱۳۹۲                                                         |
| رده‌بندی دیوئی      | : ۴/۳۲۵                                                                     |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۲۳۶۰۶۶                                                                   |



نشر پژواک

## دیالکتیک و واسازی در اقتصاد سیاسی

رابرت آلبریتون  
برگردان فروغ اسدیپور

چاپ نخست: ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۹-۳۳-۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی بهمن

انتهای بزرگراه آفریقا، شماره ۲۴۴ - واحد ۶۰۶ تلفن ۲۶۲۱۳۱۳۷

فروش: ۶۶۴۱۱۴۲۹ -- www.pejvakpub.com

کلیه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۲۲۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۹   | قدردانی                                 |
| ۱۱  | مقدمه بر چاپ فارسی                      |
| ۲۷  | فصل یکم: مقدمه                          |
| ۴۷  | فصل دوم: هستی‌شناسی یکتای سرمایه        |
| ۱۱۷ | فصل سوم: دیالکتیک هگل و دیالکتیک سرمایه |
| ۱۸۷ | فصل چهارم: ذات‌گرایی ماکس وبر           |
| ۲۲۵ | فصل پنجم: آلتوسر دشواره‌ساز             |
| ۲۷۱ | فصل ششم: واسازی و اقتصاد سیاسی          |
| ۳۲۱ | فصل هفتم: جمع‌بندی                      |
| ۳۲۵ | کتابنامه                                |
| ۳۳۱ | نمایه                                   |

## مقدمه بر چاپ فارسی

رابرت آلبرتون، استاد بازنشسته‌ی دانشگاه یورک

دسامبر ۲۰۱۱

ابتدا از شخصی سپاسگزاری می‌کنم که برای ترجمه‌ی فارسی کتاب دیالکتیک و واسازی در اقتصاد سیاسی وقت و انرژی گذاشته است.

اگر قرار بود یک بار دیگر کتاب را همین امروز (در پایان سال ۲۰۱۱) بنویسم قطعاً در محتوای آن تغییری نمی‌دادم.

هنوز جداً فکر می‌کنم جهان در مرحله‌ی عبور از سرمایه‌داری است و اقتصاد سیاسی مارکسی کلید درک آن را در اختیار دارد و همچنین شکل دادن به استراتژی‌هایی که می‌توانند گذار به سمت و سویی متری را تضمین کنند. به نظرم دشوار است پیش‌بینی مدت این گذار، اما مایه‌ی شگفتی شدید من است اگر که در پایان قرن کنونی هنوز هم چیزی شبیه سرمایه‌داری همچنان در موقعیت هژمونیک یافت شود و گذار می‌تواند بسیار زودتر از پایان قرن آغاز شده باشد.

شواهد نیرومندی برای پشتیبانی از مدعای من در دست هست مبنی بر این که ما در قرن عبور از سرمایه‌داری بسر می‌بریم. طرح کوتاهی از چهار بحرانی به دست می‌دهم که در برهم‌کنش و واکنش بروخامت یکدیگر می‌افزایند: بحران اقتصادی، بحران سیاسی، بحران ایدئولوژیک، بحران سلامتی انسان و محیط زیست.

### بحران اقتصادی

مارکس روشن کرده است که صنعتی شدن تولید کالاها مهم‌ترین جنبه‌ی سرمایه‌داری است. رانت و بهره‌داری خصلت انگلی‌اند به این معنا که بخشی از ارزش اضافی تولید شده از راه استثمار نیروی کار را به

خود اختصاص می‌دهند. هنگامی که پارازیت در میزبان خود چنگ بیندازد و بیشترین میزان ارزش اضافی را تصرف کند گواه این است که میزبان (سرمایه‌داری صنعتی) فرسوده و فرتوت شده و به پایان خط رسیده است. در حالی که در کشورهای نظیر آمریکا شاهد بیکاری و نیمه‌بیکاری گسترده هستیم، مشاهده می‌کنیم که کالاهای هر چه بیشتری در کشورهایی همچون چین تولید می‌شوند، جایی که کار از فوق استثمار در رنج است. در نتیجه‌ی این وضعیت، کل یک نسل از جوانان با چشم‌انداز مشاغل کم‌مزد یا اصولاً فقدان شغل و کار روبرویند. در آمریکا مشکلات اجتماعی مربوط به فقر و بیکاری در حال رشدند و البته وضعیت بسیار بدتر از این می‌بود اگر که زندان، گسترش مشاغل نظامی و امنیتی در کار نبود، و شاهد آنیم که گسترش بدهی‌ها به فراسوی حدودی قابل تصور رشد کرده است.

گسترش بدهی دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا موجب ایجاد تعداد بی‌شماری از حباب‌های اقتصادی همزمان<sup>۱</sup> شده است که حاصل آن نابرابری گسترده، و چشم‌انداز چرخش متناوب بحران‌های اقتصادی است. بخش مالی بزرگ به طرز فزاینده‌ای خود را به واسطه‌ی رشد وسایل غنی‌سازی‌اش از اقتصاد واقعی جدا کرده است و این فرایند مبتنی بوده است بر رشد لایه‌های هرچه فزاینده‌تر ابزارهای مالی که همانا سفته‌بازی از نوع کازینویی را بدون تولید واقعی چیزی تسهیل می‌کنند و تنها حاصل آن غنی کردن اقلیت و فقیر کردن اکثریت بوده است. شرکت‌های هرچه بیشتری با جستجوی استثمارشده‌ترین کارگران جهان و با وارد شدن به آن مناطقی که قوانین زیست‌محیطی ضعیفی دارند یا این قوانین اصلاً اعمال نمی‌شوند، یا از راه یافتن حکومت‌های فاسدی که آنها را از قوانین کار معاف می‌دارند و به آنان امکان معافیت‌های طولانی مدت مالیاتی و دیگر «مشوق‌ها» را می‌دهند در پی کاهش هزینه‌های خود هستند.

سرمایه‌داری همیشه در تلاش برای تصاحب خصوصی سودها و اجتماعی کردن هزینه‌ها بوده است، مثلاً همان‌طور که هزینه‌های بیکاری (تقریباً همه‌ی مشکلات اجتماعی از افسردگی روحی تا تعدی‌های بزهکارانه در تناسب مستقیم با بیکاری رشد می‌کنند) «پیامدهای خارجی» تلقی می‌شوند و در قیمت‌های کالاهای سرمایه‌داری ظاهر نمی‌شوند. به این معنا قیمت‌های جامعه‌ی سرمایه‌داری همواره دارای یک بعد ناعقلانی بوده است. اما حالا ما در جهانی با هزینه‌های جدی فزاینده‌ی زیست‌محیطی زندگی می‌کنیم که معمولاً منجر به ایجاد پیامدهای خارجی‌ای می‌شوند که از سودهای سرمایه‌داری بسیار فراتر می‌روند و منجر به قیمت‌هایی با درجه‌ی بسیار جدی ناعقلانیت می‌شوند. مثلاً شاید سودآور باشد که باقیمانده‌ی جنگل‌های بارانی در اندونزی و مالزی را برای تولید روغن پالم منهدم کرد، اما در این صورت هزینه‌های درازمدت زیست‌محیطی (پیامدهای خارجی؟) بسیار بیشتر از سودهای کوتاه‌مدت خواهد بود.

### بحران سیاسی

نهادهای سیاسی از سطح محلی تا جهانی در حال کاهش هزینه‌های عمومی به‌منظور پرداخت بدهی‌ها هستند. در بسیاری از موارد، این سیاست به معنای کاهش هزینه‌های درمان و بهداشت، آموزش و تحصیل، و رفاهی است یا کاهش هزینه‌های تور امنیتی که کارگران در طول قرن‌ها برای خاطر آنها جنگیده‌اند تا نایمنی‌های ناشی از تبدیل کارگران به یک عامل کالایی در فرایند تولید سرمایه‌داری را تخفیف دهند. به بیان ساده‌تر، این مردمان مشغول کار و زحمت‌اند، و نه ثروتمندان، که هزینه‌های نهادهای مالی و سیاسی در معرض ورشکستگی را پرداخت می‌کنند که همانا به‌علت گسترش بدهی به‌منظور حفظ و بقای سرمایه‌داری به چنین روزی افتاده‌اند.

در بسیاری از موارد طبقه‌ی سرمایه‌دار از قدرت و پول خود استفاده می‌کند برای خرید نفوذ سیاسی، که سپس آن را به منظور کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها و ثروتمندان یا برای گذراندن قوانینی به کار می‌گیرد که برای طرح‌های سودآورانه‌ی خاص آنها مفید است. در واقع در بسیاری از موارد کاهش درآمدهای دولتی را به طور عمده می‌توان به روش‌هایی نسبت داد که ثروتمندان با استفاده از آنها از پرداخت مالیات گریخته‌اند (تخمین زده می‌شود که ۵۰۰ میلیارد دلار در سال به این ترتیب از دسترس دولت خارج می‌شود). در مورد آمریکا بحران مالیاتی دولت آنقدرها که تصور می‌شود نتیجه‌ی درآمدهای کاهش‌یابنده نیست بلکه نتیجه‌ی هزینه‌های سر به فلک کشیده‌ی آن در پیوند با ماجراجویی‌های امپریالیستی و خرج پول‌های سرسام‌آور و کلانی است که به بهانه‌ی حفظ «امنیت کشور» و برای ایجاد پارانیویای فاجعه‌بار «جنگ علیه ترور» به باد داده می‌شود.

نقش پول‌های بزرگ در آمریکا به‌ویژه برجسته است، جایی که قانونگذاری جدید موجب باز گذاردن دست لابی‌گراها برای خرید سیاستمدارانی شد که برای کسب امکان راه‌یابی به کنگره باید ده‌ها میلیون دلار پول خرج کنند. با محاسبه‌ی افرادی که مجموعاً برای کسب کرسی‌های کنگره و راه‌یابی به دستگاه حکومتی تلاش می‌کنند متخصصان تخمین می‌زنند که بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۱۰ هزینه شده باشد. این نیز البته به معنای وام‌داری سیاستمداران به کسانی است که پول‌های لازم برای آنها را فراهم کردند.

### بحران ایدئولوژیک

درباره‌ی بحران ایدئولوژی و فرهنگ در کشورهایی نظیر آمریکا بسیار چیزها می‌توان گفت، خواه در پیوند با خطاها و ناکامی‌های نظام تحصیلی و ناعقلانیت در حال افزایش باشد یا در رابطه با بنیادگرایی مذهبی یا خشونت رو به رشد لفاظی‌های سیاسی. می‌توان چنین

پنداشت که یکی از دستاوردهای بزرگ دولت لیبرال دستکم پیشرفت نسبی حکومت قانون و جدایی دین از دولت بوده است. اما هر دوی اینها امروز زیر سوال رفته است زیرا دسته‌های بزرگی از «مهاجران غیرقانونی» فاقد هر گونه حقوق جدی و پایه‌ای شهروندی در آمریکا وجود دارند و ۱۳ درصد از مردان آفریقایی - آمریکایی حق رأی دادن ندارند زیرا زمانی در زندگی خود مرتکب جرم Felony شده‌اند (تعریف «فلونی» از ایالت به ایالت تفاوت دارد اما یک تعریف معمولی آن ارتکاب جرمی است که به حکم زندان یک یا دو ساله بینجامد). دیگر این که بنیادگرایی به حدی گسترش یافته است که تعداد چشمگیری از آمریکایی‌ها حقایق ثابت شده‌ی علمی همچون موضوع تکامل را رد می‌کنند. مثلاً نظرسنجی‌های انجام شده در ۲۰۰۵ نشان داد که ۵۳ درصد از آمریکایی‌ها باور دارند که «خداوند انسان‌ها را دقیقاً به همان شکل توصیف شده توسط انجیل خلق کرده است». بدون علم و استدلال‌های عقلانی ملازم با آن حتی مدعاهای بسیار خرافاتی و دور از ذهن نیز ممکن است به منزله‌ی حقیقت پذیرفته شوند و بدترین انواع یاهوگویی‌ها به سبب دسترسی به رسانه‌ها می‌توانند در بین مردم مقبولیت بیابند. همان‌طور که می‌دانیم در زمان بحران چندان عجیب نیست که مردم در جستجوی سپر بلا یا نظامی از باورها باشند که رستگاری را به آنها وعده دهد.

### بحران سلامتی انسان و محیط زیست

پنج علت عمده‌ی مشکلات سلامتی عبارتند از: فقدان تلاش سرمایه برای کنترل بیماری‌های عفونی فقیران و بیماری‌های مزمنی که به نحوی فزاینده روی همه کس تأثیر می‌گذارند، محیط به‌نحوی فزاینده آلوده، فقدان غذاهای به‌قدر کافی سالم و کثرت غذاهای «آشغال» و سرانجام تغییرات زیست‌محیطی همچون آب و هوای نامتعادل در حال افزایش



که سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد. سرمایه‌داری پس پشت همه‌ی علل مشکلات سلامتی قرار دارد.

داروهایی که می‌توانند بیماری‌های رایج فقیران همچون مالاریا و سل را درمان کنند برای سرمایه سودآور نیستند و در نتیجه پول اندکی برای تحقیق در این زمینه هزینه می‌شود. و جایی که دارو برای درمان بیماری‌هایی نظیر ایدز وجود دارد فقیران قادر به خرید آن نیستند.

مطابق نظر متخصص عفونی آمریکا دورا دیویس (۲۰۰۷ ص ۹) در سال ۲۰۰۷ تنها ۱۰۰۰ ماده‌ی شیمیایی از ۸۰ هزار ماده‌ی شیمیایی به‌وفور مورد استفاده کاملاً از بابت میزان سم و آلودگی خود تست شده‌اند. این موضوع عمدتاً به این سبب است که سودها طی زمان و به تناسب هزینه‌ی انجام این تست‌ها کاهش می‌یابند. در کشاورزی به‌منظور کنترل علف‌های هرز شاهد آن هستیم که استفاده از مواد سمی مبارزه با گیاهان هرز که ارگانسم‌های به‌لحاظ ژنتیکی دستکاری شده (GMOs) در برابر آنها مصونیت دارند موجب افزایش بی‌سابقه و شدید این مواد سمی و آلاینده شده است. Confined Animal Feeding Operations (CAFOs) یا پرورش صنعتی حیوانات که دارای مشکلات بسیار زیادی در زمینه‌ی مدیریت آسیب‌های ناشی از این نوع دامداری است تا کنون بزرگ‌ترین آلوده‌کننده‌ی نهرها و رودخانه‌ها بوده است. در همین رابطه باید گفت که مواد آلوده‌کننده‌ی ناشی از کودهای شیمیایی از میسی‌سی‌پی درگذشته و یک «منطقه‌ی مرده‌ی» عظیم در مقیاسی بزرگ‌تر از دولت نیو جرسی در دریای کارائیب ایجاد کرده، جایی که تقریباً هیچ چیز مگر جلبک و خزهی دریایی نمی‌تواند زندگی کند.

بیش از یک میلیارد انسان در سراسر جهان به دلیل فقدان غذا و آب سالم دچار سوء تغذیه اند. طبق نظر ژان زیگلر<sup>۱</sup> از سازمان ملل هر پنج ثانیه یک کودک زیر پنج سال به علت بیماری‌های ناشی از گرسنگی

جان می‌دهد (۲۰۰۷ ص. ۱۱). دیگر این که ۳۱ درصد از کودکان کشورهای در حال توسعه به علت سوء تغذیه دستخوش عقب ماندگی ذهنی می‌شوند (Pinstруп-Anderson & Cheng 2007, 98-9).

جدیداً گروهی از دانشمندان دانشگاه پینکتون به این نتیجه رسیدند که کالری‌های ناشی از مواد قندی موجود در نوشیدنی‌ها و بسیاری از غذاهای فراوری شده تشکیل گروه مواد غذایی از نوع HFCS را می‌دهند یعنی خوراکی‌هایی که گلوکوز در آنها برای افزایش شیرینی به فروکتوز تبدیل شده است، که خود یک فاکتور ریسک برای ایجاد فشار خون بالا، بیماری قلبی، سرطان و دیابت است (Parker, 2010). در مکزیک جایی که سطح مصرف نوشیدنی‌هایی از این دست به‌ویژه بسیار بالاست ۱۴ درصد از جمعیت دارای بیماری دیابت نوع ۲ هستند. و در آمریکا ۸۰ درصد از همهی کودکان دارای رژیم غذایی فقیری هستند. مطالعه‌ی انجام شده در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ نشان داد که ۵۰ درصد از کالری‌هایی که کودکان آمریکایی مصرف می‌کنند از شکر و چربی تشکیل شده است که به غذایشان افزوده می‌شود (Nestle, 2002, 175). عجیب نیست که تعداد کودکان سنگین‌وزن در آمریکا از هنگام دهه‌ی ۱۹۸۰ سه برابر شده است. مرض چاقی کودک در تناسب مستقیم با موضوع نژاد و طبقه قرار دارد. مثلاً خانوارهای آفریقایی - آمریکایی با درآمد سالیانه‌ای که روی خط فقر یا پایین‌تر از آن قرار دارد دارای یک نرخ ۳۳ درصدی از چاقی هستند و ۳۲/۴ درصد از پسران مکزیک - آمریکایی دارای مرض چاقی درجه پنجم هستند (Critser 2003, 131). افزایش مداوم در بیماری‌های مزمن که تا حدی مخلوق افزایش ناگانی و زیاد چاقی است در ایجاد این فاکت شوکه‌آور سهمیم بوده است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ هزینه‌های سلامتی در آمریکا بیش از ۱۰۰۰ درصد افزایش یافته است (Califano, 2007, 80). طبق صحبت‌های پروفسور دانشگاه کرنل دیوید پیمنتال اگر همهی دنیا کشاورزی/ نظام غذایی آمریکا را اقتباس می‌کرد همهی ذخایر سوخت فسیلی